

حكمة نزول القرآن باللغة العربية: مزايا بنيوية وبلاغية في مقارنة مع اللغة الفارسية^١

أميرحسن برزكري^٢

الملخص

يهدف هذا البحث إلى تبين الحكمة من اختيار اللغة العربية لإنزال الوحي، ودراسة مزاياها البنيوية مقارنة باللغة الفارسية. اعتمدت هذه الدراسة على المنهج الوصفي التحليلي والتطبيقي، بالاستناد إلى آيات القرآن الكريم، والأحاديث النبوية، والمصادر الأدبية. تُظهر النتائج أن اختيار النبي الخاتم ﷺ من بين قوم عرب كان اختياراً حكيماً يتلاءم مع الظروف الاجتماعية والثقافية واللغوية لشبه الجزيرة العربية. كما تبرز القدرات النادرة للغة العربية في ثلاثة مجالات: المعجم (الدقة الدلالية، نظام الاشتقاق، والتركيب اللفظي)، والبنية الصرفية والنحوية (نظام الإعراب، التقديم والتأخير، تنوع الصيغ)، والبلاغة (الإيجاز، المجاز، التشبيه، الكناية، الموسيقى اللفظية)، وقد تم تحليل ذلك مع ذكر أمثلة قرآنية. وفي المقارنة التطبيقية مع اللغة الفارسية، ورغم قدرة اللغة الفارسية وغناها، فإن الخصائص الفريدة للغة العربية - كنظام الإعراب، والاشتقاق الواسع، والمطابقة الدقيقة لأركان الجملة - تجعلها لا نظير لها في نقل المعارف الوحيانية المتعددة الطبقات والخالية من اللبس.

المفردات الأساسية: اللغة العربية، لغة القرآن، البلاغة، نظام الإعراب، الاشتقاق.



١. تاريخ الاستلام: ٢٣ ذوالحجّة ١٤٤٧

٢. طالب في المستوى الرابع، مدرسة مدينة العلم الكاظمية العلمية، يزد، إيران. (الكاتب المسؤول)

a27176768@gmail.com

أعد هذا المقال بإرشاد محسن رجبى (أستاذ المستوى الأول، عضو الهيئة العلمية - التربوية، مدرسة مدينة العلم الكاظمية العلمية، يزد، إيران) كمؤلف ثان.

mohsenrajabi81@gmail.com



حکمت نزول قرآن به زبان عربی

امتیازات ساختاری و بلاغی در بوتهٔ سنجش با زبان فارسی^۱

امیرحسین برزگری^۲

چکیده

هدف این پژوهش، تبیین حکمت گزینش زبان عربی برای نزول وحی و بررسی امتیازات ساختاری آن در مقایسه با زبان فارسی است. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و تطبیقی و با استناد به آیات قرآن، روایات و منابع ادبی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که انتخاب پیامبر خاتم^{صلی الله علیه و آله} از میان قوم عرب، امری حکیمانه و متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی و زبانی جزیرهٔ العرب بوده است. ظرفیت‌های کم‌نظیر زبان عربی در سه حوزهٔ واژگان (دلالت دقیق، نظام اشتقاق و واژه‌آمیزی)، ساختار صرفی و نحوی (نظام اعراب، تقدیم و تأخیر، تنوع صیغ) و بلاغت (ایجاز، مجاز، تشبیه، کنایه، موسیقی کلام) با ذکر نمونه‌های قرآنی تحلیل شده است. در مقایسه تطبیقی با زبان فارسی، اگرچه فارسی توانمند و غنی است، اما ویژگی‌های منحصربه‌فرد عربی نظیر نظام اعراب، اشتقاق گسترده و تطابق دقیق ارکان جمله، آن را برای انتقال چندلایه و بدون ابهام معارف وحیانی بی‌بدیل ساخته است.

واژگان کلیدی: زبان عربی، زبان قرآن، بلاغت، نظام اعراب، اشتقاق.



تاریخ تأیید: ۲۳ خرداد ۱۴۰۵

۱. تاریخ دریافت: ۱۹ خرداد ۱۴۰۵

۲. طلبهٔ پایهٔ چهارم مدرسهٔ علمیة مدینة العلم کاظمیه، یزد، ایران. (نویسندهٔ مسئول) a2۷۱۷۶۷۶۸@gmail.com
این مقاله با راهنمایی و اشراف محسن رجبی (استاد سطح یک و عضو گروه علمی - تربیتی، مدرسهٔ علمیة مدینة العلم کاظمیه، یزد، ایران) به عنوان نویسندهٔ دوم تدوین شده است. ohsenrajabi۸۱@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم در آیاتی چند به صراحت از عربی بودن خود سخن گفته است؛ از جمله «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» در سوره یوسف و «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا» در سوره طه. همچنین این کتاب آسمانی در آیه «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» خود را هدایتگر مردم معرفی می‌کند. این نقش هدایتگری در سخنان ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز بازتاب یافته است. برای نمونه، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در خطبه ۱۹۸ نهج البلاغه می‌فرماید: «هُدًى لِّمَنِ اتَّبَعَ بِهِ»؛ یعنی قرآن برای هر کس که به آن اقتدا کند، هدایتگر است.

این تأکیدات پرسشی بنیادین را پیش روی مفسران و زبان‌شناسان دینی نهاده است: چرا خداوند متعال زبان عربی را برای بیان آخرین پیام خود برگزیده است؟ چه ویژگی‌هایی در این زبان نهفته که در سایر زبان‌ها، از جمله فارسی، وجود ندارد؟

پژوهش‌های پیشین اگرچه به این مسئله توجه داشته‌اند، اغلب به کلی‌گویی بسنده کرده یا از مقایسه عینی و مثال‌محور با زبان فارسی غفلت ورزیده‌اند. مقاله «چرا قرآن به زبان عربی نازل شده؟» نوشته احمد عابدینی بیشتر بر دلایل تاریخی و پیامبرشناختی تمرکز دارد و به ظرفیت‌های درون‌زبانی عربی نپرداخته است. همچنین مقاله «چرا زبان عربی کامل‌ترین زبان است؟» از مریم میرنژاد و سید صفی‌الله قادری عمدتاً بر غنای واژگانی عربی تأکید کرده، اما از مقایسه ساختاری با فارسی و تحلیل بلاغت تطبیقی غفلت ورزیده است.

پژوهش پیش‌رو به روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی انجام شده و می‌کوشد با ذکر مثال‌های ملموس قرآنی و ادبی، این خلأ را پر کند. بدین منظور، نخست زمینه‌ها و حکمت انتخاب پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از میان قوم عرب بررسی می‌شود. سپس ظرفیت‌ها و امتیازات زبان عربی در سه حوزه واژگان، ساختار صرفی و نحوی، و بلاغت تحلیل می‌گردد. در پایان نیز مقایسه تطبیقی زبان عربی و فارسی در بیان مفاهیم دینی، تفاوت‌های ساختاری و معنایی این دو زبان را روشن می‌سازد.

۳. زمینه‌های نزول عربی و پیوند آن با انتخاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از میان عرب

نزول قرآن به زبان عربی، پیوندی ناگسستنی با انتخاب پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از میان قوم عرب



دارد. خداوند حکیم هم پیامبر را از میان این قوم برانگیخت و هم قرآن را به زبان آنان نازل کرد، تا هماهنگی کامل میان رسالت و زبان، پذیرش دعوت اسلامی را تسهیل نماید. از این رو، بررسی زمینه‌های انتخاب پیامبر از میان اعراب، در حقیقت روشن‌گر بخشی از حکمت نزول عربی نیز خواهد بود.

۳.۱. وضعیت اجتماعی و فرهنگی اعراب پیش از اسلام

اعراب پیش از اسلام، افزون بر غنای ادبی و فخر به شعر و خطابه، از نظر سیاسی و اجتماعی در وضعیتی آشفته به سر می‌بردند. نظام قبیله‌ای حاکم بود و هویت هر فرد در گرو تعصب قبیله‌ای قرار داشت (پیشوایی، ۱۳۹۶، ج ۱، صص ۳۵-۳۷). این تعلقات، جنگ‌های فرسایشی و چندنسلی را دامن می‌زد (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۱، صص ۵۶۶-۵۸۲؛ دینوری، ۲۰۰۱، صص ۲۴۶-۲۷۷). چنین فضایی جامعه عرب را خسته و آماده پذیرش رهبری با مشروعیت الهی و اخلاقی ساخته بود که بتواند آنان را متحد سازد (پیشوایی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۹۰). این آمادگی اجتماعی، بستر مناسبی برای نزول پیام الهی به زبان خود آنان فراهم آورد.

۳.۲. نقش بنی‌هاشم در حمایت از پیامبر ﷺ

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های این انتخاب، نسب و قبیله پیامبر ﷺ بود. ایشان از خاندان قریش و از شاخه بنی‌هاشم بودند و تبارشان به ابراهیم خلیل علیه السلام می‌رسید (طبری، ۱۹۶۷، ج ۲، ص ۱۹۱؛ ابن اثیر جزری، ۱۹۸۹، ج ۱، ص ۱۳). قبیله قریش به دلیل کلیدداری کعبه، جایگاه ممتازی در میان قبائل دیگر داشت (پیشوایی، ۱۳۹۶، ج ۱، صص ۹۲-۹۶). این جایگاه ممتاز، به پیام الهی که به زبان عربی نازل می‌شد، اعتبار و نفوذ بیشتری می‌بخشید. هرچند بخش عمده‌ای از قریش در آغاز با پیامبر ﷺ مخالفت کردند، اما بنی‌هاشم به‌ویژه حضرت ابوطالب و حمزه از ایشان حمایت نمودند. نمونه بارز این حمایت، اجرای سرپرستی پیامبر ﷺ توسط ابوطالب و ایستادگی ایشان در شعب ابی طالب است (پیشوایی، ۱۳۹۶، ج ۱، صص ۱۶۵-۱۶۷).

۳.۳. تأثیر ویژگی‌های شخصی پیامبر ﷺ

افزون بر عوامل قبیله‌ای و اجتماعی، ویژگی‌های شخصی پیامبر ﷺ نیز نقشی تعیین‌کننده



در برگزیده شدن ایشان داشت. ایشان پیش از بعثت در میان مردم مکه به «محمد امین» شهرت داشت و به راستگویی و امانت‌داری شناخته می‌شد. این ویژگی‌های اخلاقی موجب مقبولیت اجتماعی ایشان شده بود؛ به گونه‌ای که مردم برای داوری در نزاع‌ها به ایشان رجوع می‌کردند. نمونه بارز آن، ماجرای نصب حجرالاسود است که میان قبائل افتاد و همگان به داوری پیامبر ﷺ رضایت دادند و ایشان با درایت و عدالت، آن را به صورت مسالمت‌آمیز حل کردند (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، صص ۱۴-۱۵؛ طبری، ۱۹۶۷، ج ۲، ص ۲۱۳). این اخلاق نیکو، سبب شد تا مردم سخنان ایشان را که همان قرآن عربی بود، با دل و جان بپذیرند. قرآن کریم نیز به نرم‌خویی و اخلاق نیکوی پیامبر ﷺ اشاره کرده و می‌فرماید: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأُنْقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹) و «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴).

بدین ترتیب، مجموع این عوامل نشان می‌دهد که انتخاب پیامبر ﷺ از میان اعراب و نزول قرآن به زبان عربی، دوروی یک سکه‌اند. این هماهنگی میان رسالت و زبان، تصادفی نبوده، بلکه با مقتضیات زمان و مکان و ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه عرب هماهنگی کامل داشته است. زبان عربی در چنین بستر تاریخی و اجتماعی‌ای، شایستگی حمل پیام الهی را یافت.

۴. قابلیت‌های زبان عربی در تبیین و انتقال معارف و حیانی

زبان عربی به دلیل ساختار و ویژگی‌های ممتازی که از آن برخوردار است، توانایی زیادی در تبیین و انتقال معارف و حیانی دارد. غنای واژگان، ساختار دقیق صرفی و نحوی، توانایی بلاغی و دقت معنایی این زبان، امکان بیان مفاهیم پیچیده و چندلایه الهی را فراهم می‌سازد. در این بخش، ظرفیت‌های زبان عربی در سه سطح واژگان، نحو و صرف، و بلاغت بررسی می‌شود.

۴.۱. ویژگی‌های واژگان زبان عربی

واژگان زبان عربی از ویژگی‌هایی برخوردارند که آن را از واژگان سایر زبان‌ها متمایز می‌سازد. مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارتند از: دلالت دقیق واژگان، تنوع واژگان در توصیف تغییرات یک موجود، تفاوت معنایی ناشی از تغییر حرکات، واژه‌آمیزی (نحت)، و نظام اشتقاق. نخستین ویژگی، دلالت دقیق واژگان است؛ به این معنا که هر واژه بر معنای خاص خود



دلالت دارد، به گونه‌ای که حتی واژگان به ظاهر مترادف نیز کاربرد ویژه خود را دارند. برای نمونه، مفهوم نیش زدن در عربی با واژگان مختلفی بیان می‌شود: «يَلْسَعُ» برای حشرات، «يَلْدَغُ» برای مار و خزندگان، و «يَنْهَشُ» برای حیوانات وحشی. همچنین دو واژه «حَطَب» و «وَقُود» هر دو به معنای هیزم هستند، اما اولی به هیزم شعله‌ور و دومی به هیزم غیرشعله‌ور اشاره دارد. نیز دو واژه «مائه» و «خِوان» به معنای سفره‌اند؛ اما اولی زمانی به کار می‌رود که درون سفره غذا باشد و دومی زمانی که چنین نباشد (محمد، ۲۰۰۰، صص ۴۹-۵۰).

دومین ویژگی، تنوع واژگان در توصیف تغییرات یک موجود است. گستردگی واژگان عربی در توصیف هر مرحله از مراحل تکامل یک موجود قابل توجه است. به عنوان مثال برای مراحل رشد یک انسان، واژگانی چون «جَنین» (در رحم)، «وَلید» (به دنیا آمده)، «فَطیم» (از شیر گرفته شده)، «دارج» (کودکی که با دست و پا حرکت می‌کند)، «ناشیء و مُتَرَعِع» (به ده سالگی رسیده)، «مُراهِق» (بالغ)، «شَاب» (جوان)، «رَجُل» (مرد)، «كَهْل» (میان‌سال) و «شَيْخ» (پیرمرد) به کار می‌رود (حماده، ۲۰۰۰، ص ۵۰). همچنین مراحل رشد شتر چنین نام‌گذاری شده است: «سَلیل» (ساعت اول تولد)، «سَقَب و حُوار» (تا یک سالگی)، «فَصیل» (پس از یک سال)، «ابنُ مَخاض» (دو سالگی)، «ابنُ لَبَن» (سه سالگی). امیرالمؤمنین (ع) در حکمت ۱ نهج البلاغه می‌فرماید: «كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرَ فَيَرْكَبَ وَلَا ضَرْعَ فَيُحَلَبَ» (در فتنه‌ها، چونان شتر دو ساله باش، نه پشتی دارد که سواری دهد و نه پستانی تا او را بدوشند). سپس ادامه مراحل: «حِق» (چهار سالگی)، «جَذَع» (پنج سالگی)، «ثَنی» (شش سالگی)، «رُبَاع» (هفت سالگی)، «سَدیس» (هشت سالگی)، «بازل» (نه سالگی) و تا «كُحْكُح» (پیری) که هر مرحله نام خاص خود را دارد (مبارک، ۱۹۹۷، ص ۱۲۸).

سومین ویژگی، تفاوت معنایی ناشی از تغییر حرکات است. یکی از ویژگی‌های برجسته واژگان عربی، تمایز معنایی آنها بر اثر تغییر حرکات است. برای نمونه، «الحَلَف» به معنای اتحاد است، در حالی که «الحَلْف» به معنای سوگند است (شریف، ۲۰۰۹، ص ۱۶۲). همچنین «ضَرَبَ» به معنای «زد» (گذشته مرد) و «ضَرِبَ» به معنای «زده شد» (گذشته مجهول) است. اگرچه در فارسی موارد نادری مانند تفاوت تلفظ «گُل» (شکوفه) و «گِل» (خاک رس) وجود دارد، اما این پدیده در فارسی قاعده‌مند و قابل تعمیم به اکثر واژگان نیست؛

در حالی که در عربی، این ویژگی یک اصل پایه‌ای است.

چهارمین ویژگی، نحت یا واژه‌آمیزی است که از ظرفیت‌های کم‌نظیر زبان عربی به شمار می‌رود. نحت به معنای ساخت واژه‌ای جدید از یک جمله یا ترکیبی از کلمات، به گونه‌ای که معنا و مضمون جمله اصلی در قالب یک واژه فشرده می‌شود. برای مثال، فعل «بَسَمَل» از جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» و فعل «حَسَبَل» از جمله «حسبی الله» منحوت شده است (شریف، ۲۰۰۹، ص ۱۹۳).

پنجمین و مهم‌ترین ویژگی، نظام اشتقاق و توانایی تولید معانی جدید است. در زبان عربی، تولید واژگان بر اساس یک سیستم نظام‌مند و قابل پیش‌بینی انجام می‌شود. این سیستم واژه‌ها را از ریشه‌ها و با استفاده از قواعد مشخص تولید می‌کند. هر یک از این واژه‌ها از طریق ریشه با یکدیگر اشتراک معنایی دارند، اما معنای خاص و ویژه‌ای نیز پیدا می‌کنند. برای مثال، از ریشه «ک-ت-ب» مشتقاتی چون «کَتَبَ» (نوشت)، «کِتَاب» (نوشته، کتاب)، «مَكْتَبَه» (میز تحریر)، «کاتب» (نویسنده) و «اِسْتَكْتَبَ» (درخواست نوشتن چیزی را کرد) ساخته می‌شود. این ویژگی نشان می‌دهد زبان عربی نه تنها دارای تنوع و وسعت واژگان است، بلکه قابلیت تولید واژه‌های تازه را نیز دارد. بنابراین، این زبان می‌تواند معارف و حیانی را به بهترین وجه انتقال دهد و در عین حال در برابر فرسایش زمان نیز پایدار بماند.



۲. ۴. ویژگی‌های نحوی و صرفی زبان عربی

یکی از امتیازات بزرگ زبان عربی نسبت به دیگر زبان‌ها، ساختار اعرابی دستور زبان آن است. اعراب عبارت است از تغییرات پایانی کلمات عربی (لفظی یا تقدیری) به وسیله عوامل مختلف (صفایی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۸۱). این ویژگی باعث می‌شود که چینش کلمات در جمله با آزادی کامل و بدون هیچ‌گونه ابهام دستوری انجام شود. به دلیل مجاز بودن تقدیم و تأخیر اجزای جمله، زمینه برای اهداف بلاغی همچون تأکید بر اهمیت و حصر نیز فراهم می‌شود. اعراب دارای فواید فراوانی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: مشخص شدن معنای مورد نظر، تنوع و انعطاف در جمله‌بندی، و دقت در انتقال معنا.

نخست آنکه اعراب از هرگونه ابهام و سوءبرداشت جلوگیری می‌کند. برای نمونه، در آیه «وَ اِذَا نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَ رَسُوْلُهُ اِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحُجَّ الْأَكْبَرِ اَنَّ اللّٰهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ وَ رَسُوْلُهُ» (توبه: ۳)،

اگر واژه «رسول» با کسره خوانده شود، معنا چنین می شود که «خدا از مشرکان و رسولش بیزاری می جوید»؛ در حالی که مقصود این است که «خدا و رسولش از مشرکان بیزاری می جویند». بنابراین اعراب، نقش دستوری کلمه را مشخص کرده و از اشتباه در فهم جلوگیری می کند.

دوم آنکه به دلیل وجود اعراب در زبان عربی، می توان جملات را بدون آنکه ابهامی به وجود آید در حالات مختلف و متنوعی بیان کرد. برای مثال، جمله «أَعْطَى مُحَمَّدٌ خَالِدًا كِتَابًا» به صورت های زیر نیز بیان می شود: «مَحَمَّدٌ أَعْطَى خَالِدًا كِتَابًا»، «خَالِدًا أَعْطَى مُحَمَّدٌ كِتَابًا»، «كِتَابًا أَعْطَى مُحَمَّدٌ خَالِدًا»، «كِتَابًا خَالِدًا أَعْطَى مُحَمَّدٌ»، «أَعْطَى خَالِدًا مُحَمَّدٌ كِتَابًا». در هیچ کدام از این موارد، فاعل با مفعول مشتبه نمی شود، چراکه فاعل با علامت رفع و مفعول با علامت نصب نشانه گذاری شده است. بنابراین در زبان عربی جابه جایی اجزای جمله کاملاً مجاز است و گوینده می تواند باتوجه به غرضی که دارد یکی را انتخاب کند (سامرائی، ۲۰۰۰، ج ۱، ص ۳۴).

سوم آنکه در تمام حالات یادشده، یک معنای عام (مَحَمَّدٌ به خالد کتاب داد) وجود دارد، اما در هر حالت یک معنای جزئی نیز هست؛ مثلاً در «مَحَمَّدٌ أَعْطَى خَالِدًا كِتَابًا» تأکید بر فاعل (مَحَمَّدٌ) است و در «خَالِدًا أَعْطَى مُحَمَّدٌ كِتَابًا» تأکید بر مفعول (خالد) (سامرائی، ۲۰۰۰، ج ۱، صص ۳۴-۳۵). بنابراین نظام اعراب نه تنها یک ساختار نشانه گذاری، بلکه ابزاری قدرتمند برای دقت بیان، جلوگیری از ابهام و انعطاف در ساختارهای ادبی است.

به لطف نظام اعراب، اجزای جمله به صورت کاملاً آزاد جابه جا می شوند. این پدیده در دو حوزه کارکرد دارد: نخست کارکردهای معنوی که هدف از آن رفع ابهام از ذهن مخاطب و روشن سازی معنا برای اوست؛ دوم کارکردهای بلاغی که برای تأثیرگذاری بر احساسات، جلب توجه و تأکیدهای هنرمندانه ایجاد می شود. مهمترین کارکردهای بلاغی تقدیم و تأخیر عبارتند از: شمولیت نفی (مانند «كُلُّ ظَالِمٍ لَا يَقْلَحُ» که معنای «هیچ ظالمی رستگار نمی شود» را دارد)، تخصیص یا حصر (مانند آیه «لَا فِيهَا غَوْلٌ» در سوره صافات: ۴۷ که نبودن فساد و مستی را منحصر در شراب بهشتی می کند)، تعظیم (مانند «عَظِيمٌ أَنْتَ يَا اللَّهُ»، ترحم (مانند «فَقِيرٌ ابُوكَ»)، و رعایت فواصل و سجع (مانند آیه «وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى» در سوره نجم) (هاشمی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص ۱۱۲، ۱۰۴، ۱۳۷).

علاوه بر نظام اعراب، ساختار صرفی کلمات در قرآن کریم نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ هر وزن صرفی برای غرض بلاغی خاصی به کار رفته و تغییر آن موجب اخلال در مقصود می‌شود (ذوالفقاری و شهبازی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷). اساس واژه‌ها در هر زبانی بر سه عنصر «ریشه، صیغه و معنا» استوار است (محمد، ۲۰۰۰، ص ۶۵). در عربی، صیغه به مثابه ظرفی است که با قرار دادن ریشه در آن، معانی متنوعی ایجاد می‌شود (مبارک، ۱۹۹۷، صص ۱۱۵-۱۱۷).

برای نمونه، واژه «یتامی» در آیه «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى...» (بقره: ۲۲۰) از وزن «فَعَالَى» است که معنای عطوفت و یتیم‌نوازی را منتقل می‌کند. جمع قلت «آیتام» در قرآن به کار نرفته و فقط جمع کثرت «یتامی» (با وزن فَعَالَى) استفاده شده است؛ زیرا بنابر گفته سیبویه، این وزن به واژگانی تعلق دارد که بر درد، آفت و بلا دلالت دارند (مانند سَکَارِی، وَجَاعِی، آیامِی) و تکرار حرف «الف» بر امتداد و استمرار دلالت دارد (سیبویه، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۲۱۳؛ ابن‌الرسول، ۱۳۹۰، ص ۹۰؛ مودب و متقی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۶۲).

به طور خلاصه می‌توان گفت که ویژگی‌های صرفی و نحوی زبان عربی با محوریت «اعراب»، ستون فقرات دقت معنایی، انعطاف و قدرت بیانی این زبان را تشکیل می‌دهد. نظام اعراب نه تنها به عنوان یک ابزار نشانه‌گذاری، بلکه به عنوان یک ساختار معناسازی عمل می‌کند. آزادی بی‌نظیر در تقدیم و تأخیر اجزای جمله که به لطف وجود همین نظام میسر شده است، امکان خلق ظرافت‌های معنایی همچون حصر، ترحم و تأکید را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر تنوع اوزان و صیغ صرفی، گوینده را قادر می‌سازد به اقتضای کلام و مخاطب، مناسب‌ترین قالب را برای بیان واژه‌ها انتخاب کند.

۳. ۴. ویژگی‌های بلاغی زبان عربی

زبان عربی افزون بر ظرفیت‌های واژگانی و نحوی-صرفی، از ویژگی‌های بلاغی ممتازی نیز برخوردار است که هم جنبه زیباشناختی دارد و هم در انتقال دقیق معنا و تأثیرگذاری بر مخاطب نقش اساسی ایفا می‌کند. مهم‌ترین این ویژگی‌ها در ادامه بیان می‌شود.

ایجاز به معنای بیان معانی فراوان در الفاظ اندک، بدون آسیب به مقصود اصلی است و دو نوع دارد: ایجاز قصر و ایجاز حذف. ایجاز قصر عبارت است از گنجاندن معانی بسیار در



الفاظ کمتر بدون آنکه بخشی از جمله حذف شود. از نمونه‌های برجسته آن، سخن امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه است که با عبارت «تَحَقَّقُوا تَلَحُّقُوا» راه رسیدن به مقام صالحان را سبک‌سازی نفس از سنگینی شهوات معرفی می‌فرمایند. اما ایجاز حذف، رساندن معنای فراوان با حذف بخشی از جمله است، مشروط به وجود قرینه لفظی یا معنوی. برای نمونه، در آیه «فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» شرط «إِنْ تَتَّبِعُونِي» حذف شده است. همچنین در آیه «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْوُقُوفُوا عَلَى النَّارِ» جواب شرط حذف شده و مقصود چنین است: «لَرَأَيْتَ أَمْرًا فَظِيعًا» (هاشمی، ۱۳۸۳، صص ۱۴۹-۱۵۰).

مجاز عبارت است از به کارگیری واژه در غیر معنای اصلی با وجود قرینه. برای نمونه، در آیه «وَجَاءَ رَبُّكَ» (فجر: ۲۲)، واژه «جاء» که به معنای «آمد» است، به صورت مجازی به کار رفته است؛ زیرا ذات خداوند از مکان و حرکت مبرا است و مراد از آن «فرمان خدا» یا «قدرت او» است. نیز در آیه «وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ» (اسراء: ۲۴)، «جناح» (بال) مجازاً برای بیان «تواضع کامل» به کار رفته است (قابشی، ۱۳۹۸، صص ۱۵۷-۱۸۶). تشبیه به معنای ماندسازي و آشکار کردن شباهت میان دو چیز است. در آیه «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ... كَمَثَلِ حَبَّةٍ...» (بقره: ۲۶۱)، عمل انفاق به دانه‌ای تشبیه شده که هفت خوشه و هر خوشه صد دانه می‌دهد. همچنین در آیه «سَرَابٌ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً» (نور: ۳۹)، اعمال کافران به سراب تشبیه شده است (قابشی، ۱۳۹۸، صص ۱۳۶-۱۴۶).

کنایه عبارت است از بیان معنای مقصود بدون تصریح به لفظ مستقیم آن، به گونه‌ای که هم معنای مستقیم و هم معنای کنایی فهمیده شود. این صنعت برای رعایت ادب، ایجاد ایهام و بیان ظریف مفاهیم به کار می‌رود و زبان عربی از این نظر غنی است. در آیه «أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ» (مانده: ۶)، «غائط» کنایه از قضای حاجت است. همچنین در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِّنْ كِبَرٍ» که کنایه از زشتی تکبر است، و عبارت «كَثِيرُ الرَّمَادِ» کنایه از مهمان‌نوازی است (قابشی، ۱۳۹۸، صص ۱۹۰-۱۹۳).

موسیقی کلام یا سجع، به هماهنگی و هم‌نوایی آوایی کلمات در پایان جملات گفته می‌شود که به تأکید معنا و تسهیل حفظ کمک می‌کند. در آیات پایانی سوره «الانفطار»،



هم‌آوایی حرف «کاف» و «میم» موسیقی خاصی ایجاد کرده و در سورة «الضحی»، سجع پایانی («سَجَى»، «قَلَى») بر تسلی خاطر پیامبر ﷺ دلالت دارد.

مجموع این ویژگی‌های بلاغی (ایجاز، مجاز، تشبیه، کنایه و موسیقایی) در کنار یکدیگر، زبانی پدید آورده است که نه تنها قادر است پیچیده‌ترین مفاهیم و حیانی را با حداکثر دقت انتقال دهد، بلکه از زیبایی، انعطاف و تأثیرگذاری بالایی برخوردار است.

۵. مقایسه تطبیقی با فارسی

پس از بررسی ظرفیت‌های زبان عربی، اکنون به مقایسه تطبیقی آن با زبان فارسی می‌پردازیم. هرچند زبان فارسی از غنای ادبی و میراث شاعران بزرگی برخوردار است و توانایی بیان مفاهیم عرفانی و اخلاقی را دارد، اما تفاوت‌های ساختاری و معنایی میان این دو زبان، نشان می‌دهد که چرا زبان عربی برای حمل پیام و حیانی برگزیده شده است.

۱. ۵. غنای لغوی عربی در برابر فارسی

زبان عربی از شاخه زبان‌های سامی و ریشه‌محور است، در حالی که فارسی از شاخه زبان‌های هندواروپایی و ترکیب‌محور به شمار می‌رود (زمانی بابگه‌ری و بصیری، ۱۳۹۷، ص ۷۰). در زبان‌های هندواروپایی، واژه‌سازی بیشتر از راه ترکیب (کنار هم گذاشتن واژه‌ها) صورت می‌گیرد؛ اما در زبان‌های سامی، واژه‌های نو از ریشه‌های واحد مشتق می‌شوند و تنها روش واژه‌سازی، ریختن ماده کلمات در قالب‌های مشخص است (همان، ص ۷۰). در فارسی، اشتقاق عمدتاً با پیشوندها و پسوندها انجام می‌شود و نظام ریشه-وزن به گستردگی عربی نیست. عربی با اشتقاق صغیر، کبیر، اکبر و نحت (واژه‌آمیزی) از قدرت واژه‌سازی بالایی برخوردار است (همان، ص ۷۸). مشتقات عربی به نُه دسته تقسیم می‌شوند: اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبّهه، صیغه مبالغه، اسم تفضیل، اسم مکان، اسم زمان، اسم ابزار و مصدرهای مزید. این ساختارها به عربی قدرت ثبات معنایی و دامنه کاربرد وسیعی می‌بخشند.

۲. ۵. انعطاف و دقت نحو عربی در برابر فارسی

نقش‌نمایی نحوی در عربی با نظام اعراب انجام می‌شود. این نشانه‌های آوایی یا نوشتاری،



دقیقاً تعیین می‌کنند که یک واژه در جمله چه نقشی دارد (فاعل است، مفعول است یا در نقش‌های دیگری مانند مضاف‌الیه قرار گرفته است). از این رو، وابستگی به ترتیب واژگان به شدت کاهش می‌یابد. حتی اگر جای اجزای جمله تغییر کند، اعراب نقش آن‌ها را حفظ کرده و از ابهام جلوگیری می‌کند. در مقابل، فارسی برای نقش‌نمایی به ترتیب واژگان (فاعل + مفعول + فعل) و نشانه «را» تکیه دارد؛ تغییر ترتیب معمولاً معنا را دگرگون می‌کند؛ مانند تفاوت معنایی میان «موسی عیسی را زد» و «عیسی موسی را زد» (جبار گوه‌ری، ۱۴۰۲، صص ۱۳-۱۴).

افزون بر نظام اعراب، زبان عربی دارای ویژگی‌های ساختاری دیگری نیز هست. از جمله اینکه زبان عربی بر پایه «ریشه‌های سه‌حرفی» بنا شده است. این ساختار هندسی به گوینده اجازه می‌دهد با استفاده از «اوزان» مختلف، ده‌ها معنای جدید از یک ریشه استخراج کند. برای نمونه، از ریشه «ک-ت-ب» واژگانی چون «کاتب»، «مکتوب»، «کتابه»، «مکتب» و «تکاتب» ساخته می‌شود. این در حالی است که در فارسی، اشتقاق بسیار محدودتر است و اغلب نیازمند ترکیبات اضافی می‌باشد.

نیز در عربی، میان موصوف و صفت، و فعل و فاعل، تطابق دقیق «جنس» (مذکر و مؤنث) و «عدد» (مفرد، مثنی و جمع) وجود دارد. ویژگی «مثنی» در عربی که برای اشاره به عدد «دو» به کار می‌رود و در فارسی عملاً از بین رفته است، دقت معنایی در توصیف‌ها را به مراتب بالاتر برده است. همچنین در عربی، نقش‌های نحوی می‌توانند در قالب «ضمایر متصل» به انتهای کلمات بچسبند (مانند «ضَرْبَةُ» به معنای «او را زد»). این ویژگی باعث می‌شود جملات عربی نسبت به فارسی فشرده‌تر باشند و نیاز به استفاده از کلمات اضافه برای بیان یک مفهوم واحد نداشته باشند. علاوه بر این، در زبان عربی ضمیر فاعلی در دل فعل مستتر است (مثلاً در «ذَهَبْتُ» به معنای «رفتم»، ضمیر «من» درون فعل نهفته است). این ویژگی باعث می‌شود که در اکثر جملات، نیازی به ذکر صریح ضمیر فاعلی نباشد و از تطویل کلام جلوگیری شود، در حالی که در فارسی اغلب ناچار به ذکر ضمیر هستیم.

۳. ۵. بلاغت عربی در برابر فارسی

بلاغت فارسی عمدتاً بر ایجاز، استعاره و کنایه متمرکز است؛ اما بلاغت عربی افزون بر این‌ها، تحت تأثیر قواعد نحوی و صرفی نیز هست و فصاحت و دقت منطقی را همزمان فراهم

می‌کند. نمونه‌ها شامل تغییر صیغ جمع برای انتقال حس خاص (مانند «یتامی» به جای «ایتام») یا استفاده از باب «تفعّل» برای معنای تکلف است که معادل کاملی در فارسی ندارند. نظام اعراب در عربی «امنیت معنایی» (حفظ معنا در پیچیده‌ترین ساختارها) و «انعطاف معنایی» (ایجاد تأکیدهای ظریف بدون تغییر حقیقت معنا) را ممکن می‌سازد. این ویژگی‌ها عربی را برای بیان حقایق قدسی و اسرار الهی بی‌بدیل کرده است.

به طور خلاصه، زبان فارسی با گنجینه ادبی و توانایی بیان مفاهیم عرفانی و اخلاقی، زبانی شایسته و غنی است؛ اما زبان عربی به دلیل ویژگی‌های ساختاری منحصربه‌فرد خود -نظام اعراب، اشتقاق گسترده و بلاغت مبتنی بر صرف و نحو- برای انتقال دقیق و چندلایه معارف و حیانی بی‌بدیل است. انتقال تمام ظرائف معنایی قرآن به فارسی دشوار و گاهی غیرممکن است؛ این خود دلیلی بر اعجاز و الهی بودن این کتاب و حکمت انتخاب عربی است.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام شده در این پژوهش نشان داد که گزینش زبان عربی برای نزول آخرین پیام الهی، امری تصادفی و اتفاقی نبوده، بلکه مبتنی بر حکمت بالغه الهی و تناسب کامل با ظرفیت‌های ذاتی این زبان است. انتخاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از میان قوم عرب که در اوج فصاحت و عربیت می‌زیستند، همراه با حمایت‌های قبیله‌ای بنی‌هاشم و ویژگی‌های برجسته شخصی ایشان مانند راستگویی و امانت‌داری، بستر مناسبی را برای پذیرش و گسترش دعوت اسلامی فراهم ساخت.

از سوی دیگر، زبان عربی به دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود در سه سطح واژگان، صرف و نحو، و بلاغت، توانایی بی‌نظیری برای انتقال مفاهیم عمیق، چندلایه و دقیق و حیانی دارد. نظام اشتقاق گسترده، دلالت دقیق واژگان، تفاوت معنایی ناشی از تغییر حرکات، و ظرفیت واژه‌آمیزی (نحت) در سطح واژگان؛ نظام اعراب، آزادی در تقدیم و تأخیر اجزای جمله، و تنوع اوزان صرفی در سطح نحو و صرف؛ و نیز ایجاز، مجاز، تشبیه، کنایه و موسیقی کلام در سطح بلاغت، همگی دست به دست هم داده‌اند تا زبانی پدید آید که هم از ابهام بپرهیزد و هم از زیبایی و تأثیرگذاری بالایی برخوردار باشد.

مقایسه تطبیقی زبان عربی با فارسی نشان داد که هرچند فارسی زبانی غنی، شاعرانه و



توانمند در بیان مفاهیم عرفانی و اخلاقی است، اما فاقد برخی ابزارهای ساختاری است که در عربی وجود دارد؛ از جمله نظام اعراب کامل، اشتقاق وزنی گسترده، مقوله «مثنی» و تطابق دقیق جنس و عدد در صفت‌ها و فعل‌ها. این کاستی‌ها سبب می‌شود که انتقال تمام ظرائف معنایی قرآن به فارسی دشوار و گاهی غیرممکن باشد.

بنابراین، عربی بودن قرآن نه یک ویژگی صوری و تشریفاتی، بلکه جزئی تفکیک‌ناپذیر از اعجاز بیانی و محتوایی آن به شمار می‌رود و انتخاب الهی این زبان بر اساس شناخت دقیق از ظرفیت‌های آن برای تحمل بار رسالت جهانی اسلام بوده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

کتب

۱. ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۶۸). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. پیشوایی، مهدی. (۱۳۹۶). تاریخ اسلام. قم: دفتر نشر معارف.
۳. دینوری، ابن قتیبہ. (۲۰۰۱). الأخبار الطوال. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۹۹۲). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالشامیة.
۵. سامرائی، فاضل صالح. (۲۰۰۰). معانی النحو. عمان: دارالفکر.
۶. سیبویه، عمرو بن عثمان. (۱۹۸۸). الکتاب. قاهره: مکتبة الخانجی.
۷. صفایی بوشهری، غلامرضا. (۱۳۸۴). بدایة النحو. قم: حوزه علمیه قم.
۸. طبری، محمد بن جریر. (۱۹۶۷). تاریخ الامم و الملوک. بیروت: دارالتراث.
۹. قابشی، منصور. (۱۳۹۸). درر البلاغة. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۱۰. مبارک، محمد. (۱۹۹۷). فی فقه اللغة و خصائص العربیة. بیروت: دار الفکر.
۱۱. محمد، محمد داود. (۲۰۰۰). فی فقه اللغة و قضایا العربیة. قاهره: دار غریب.
۱۲. هاشمی، احمد. (۱۳۸۳). جواهر البلاغة. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۱۳. یعقوبی، احمد بن اسحاق. (بی‌تا). تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر.
۱۴. شریف، محمد شایب. (۲۰۰۹). قطوف لغویة. بیروت: دارالکتب العلمیة.



۱۵. حماده، شوقی. (۲۰۰۰). معجم عجائب اللغة. بیروت: دار صادر.

مقالات

۱۶. ابن الرسول، سید محمد رضا. (۱۳۹۰). نوآوری‌های صرفی در صرف کاربرد. مجله زبان و ادب عربی، شماره ۱۶.
۱۷. جبار گوهری. (۱۴۰۲). تحلیل تطبیقی قواعد صرف و نحو در زبان فارسی و عربی. تهران: مؤسسه بام پژوهش پرواز.
۱۸. ذوالفقاری، زهرا و شهبازی، محمود. (۱۳۹۴). نگاهی به ظرائف ساختار صرفی اوزان جمع در قرآن کریم. پژوهش‌های زبان‌شناختی، شماره ۵.
۱۹. زمانی بابگهری، وجیهه و بصیری، محمدصادق. (۱۳۹۷). ترکیب و اشتقاق در دستور زبان فارسی و عربی. نشریه فنون ادبی، شماره ۲۳.
۲۰. میرنژاد، مریم و قادری، سید صفی‌الله. (۱۳۹۹). چرا زبان عربی کامل‌ترین زبان است؟ نشریه رشد آموزش معارف اسلامی.
۲۱. مودب، سید رضا و متقی‌نژاد، مرتضی. (۱۳۹۵). بررسی کارکرد معنایی و بلاغی اوزان صرفی در تبیین اعجاز بیانی قرآن. مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات عربی، دوره ۳، شماره ۱.





شروېشگاه علوم انساني ومطالعات فرهنگي
پرتمال جامع علوم انساني



سال چهارم شماره ۱۰، بهار ۱۴۰۵